

**Comparative Studies
in Jurisprudence,
Law, and Politics**

Interpretation and Enactment of the Civil Liability Act in Light of the Element of Economic Efficiency

1. Mehrnoush Razazzadeh: Ph.D. Student of Private Law, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran
2. Davoud Nasiran Najafabadi*: Assistant Professor of Law Department, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. Email: dawoodnassiran@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Reza Soltani: Assistant Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran

ABSTRACT

Within the consequences of legal science in the various stages of legislation, interpretation of the law, and enforcement of legal rules, the stage of efficiency and utility becomes the subject of discussion, opinion, and study. In the legislative stage—namely, lawmaking—the debate centers on utility or efficiency. Following enactment comes the stage of interpretation, while the enforcement stage falls outside the scope of the present discussion. The interpretation stage can be attributed to either an individual or an institution. Personal interpretation, whether by legal scholars or judges, although not in itself a formal source of law, can nonetheless be effective, influential, and even decisive. Judicial interpretation, however, if rendered collectively and in the framework of judicial precedent (unifying opinions), can have significant impact, particularly in bringing civil law systems and common law systems closer together. In this article, the author, employing a descriptive–analytical method, has elaborated on this subject.

Keywords: *Interpretation, Enactment, Civil Liability, Efficiency*

How to cite: Razazzadeh, M., Nasiran Najafabadi, D., & Soltani, R. (2025). Interpretation and Enactment of the Civil Liability Act in Light of the Element of Economic Efficiency. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 7(3), 1-19.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 26 January 2025
Revise Date: 02 April 2025
Accept Date: 08 April 2025
Publish Date: 14 October 2025



تفسیر و وضع قانون مسئولیت مدنی در پرتو عنصر کارآیی اقتصادی

۱. مهرانوش رزاززاده: دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

۲. داود نصیران نجف‌آبادی*: استادیار گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران. پست الکترونیک:

dawoodnassiran@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. رضا سلطانی: استادیار گروه حقوق، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران

چکیده

در پیامدهای دانش حقوق در مراحل مختلف وضع قانون، تفسیر قانون و اجرای قواعد حقوقی مرحله کارایی و مطلوبیت محل بحث و نظر و مطالعه قرار می‌گیرد. در محله وضع یعنی قانونگذاری به بحث مطلوبیت یا کارایی اشاره می‌شود. پس از وضع نوبت تفسیر است و مرحله اجراء از دایره شمول بحث نگارنده این سطور خارج است. مرحله تفسیر را می‌توان به شخص یا سازمان متناسب دانست. تفسیر شخصی چه از طرف حقوق دانان و چه از سوی قضات اگرچه به صورت فردی از منابع حقوق نیست اما می‌تواند متمر ثمر و همچنین منشا اثر و تعیین کننده باشد. تفسیر ارائه شده از سوی قضات اما اگر به صورت گروهی و در حوزه آراء وحدت رویه قضایی باشد می‌تواند منشا اثر بوده و این موضوع به ویژه نظام‌های حقوقی رومی ژرمنی و کامن لا را به هم نزدیک ساخته است. در این مقاله نگارنده به شیوه توصیفی تحلیلی به تشریح این موضوع اشاره داشته است.

واژگان کلیدی: تفسیر، وضع، مسئولیت مدنی، کارآیی

نحوه استناددهی: رزاززاده، مهرانوش، نصیران نجف‌آبادی، داود، و سلطانی، رضا. (۱۴۰۴). تفسیر و وضع قانون مسئولیت مدنی در پرتو عنصر کارآیی اقتصادی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۷(۳)، ۱۹-۱.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۶ بهمن ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۳ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۹ فروردین ۱۴۰۴

تاریخ چاپ: ۲۲ مهر ۱۴۰۴

هرچند هدف مشترک تحلیل‌های اقتصادی حقوق مسئولیت مدنی، تأمین حداکثر کارایی اقتصادی با استفاده از این شاخه حقوق است، اما در خصوص مفهوم کارایی اقتصادی و نیز راه‌های رسیدن به آن، دیدگاه واحدی وجود نداشته و حقوق‌دانان و اقتصاددانان مختلف معیارهای متنوعی برای تبیین آن ارائه داده‌اند. برخی از مهمترین نظریات که نظریه پردازان غربی در این رابطه ارائه داده اند عبارتند از؛ نظریه به حداکثر رساندن ثروت، وضعیت بهینه پارتو،^۱ وضعیت برتر پارتو، معیار کالدور-هیکس.^۲ از بین معیارهای فوق، می‌خواهیم بهترین معیاری که از نظر اقتصادی کارا تر می‌باشد و از شهرت بیشتری برخوردار است انتخاب نماییم و مفهوم کارآمدی اقتصادی را با آن معیار بررسی می‌نماییم. ساختار مسئولیت مدنی باید چگونه باشد که منجر به ایجاد حداکثر کارایی اقتصادی در جامعه شود؟ این مهم از طریق به کارگیری چه قواعدی محقق می‌گردد. تحلیل اقتصادی حقوق مسئولیت مدنی برای انجام این وظیفه، کارایی را به عنوان مبنا و هدف اصلی ایجاد قواعد حقوقی برگزیده است که این مهم مبنایی برای سنجش قواعد حقوقی است قاعده تقصیر در تمام جهان قاعده پایه است.

از رویکرد و گفتمان جدید «حقوق و اقتصاد» یا تحلیل اقتصادی حقوق قریب چهار دهه می‌گذرد. رویکردی که افق‌های جدیدی را در تحلیل موضوعات حقوقی گشوده و شاید می‌توان گفت بدون چشم انداز تحلیل اقتصادی حقوق و صرفاً تکیه بر تحلیل منطقی-حقوقی که اصول و قواعد حقوقی را بیش از اندازه انتزاعی کرده، امکان متحول کردن یک نظام حقوقی و کارکردن بیشتر آن وجود ندارد. در نگرش اقتصادی به مسئولیت مدنی می‌خواهیم بررسی نماییم الگوی مسئولیت مدنی بر مبنای الگوی چه حوادثی طراحی گردد که در آن هدف جبران خسارت، اقدامات پیشگیرانه و بازدارندگی مورد توجه قرار گیرد. و چه مدل اقتصادی از مسئولیت مدنی لازم است که به اثر قواعد مسئولیت مدنی و نتیجه اعمال آن بر رفاه اجتماعی و کارآمدی توجه شود و بهترین نتیجه از احتیاط و بازدارندگی را تامین نماید؟

هدف حقوق اقتصادی به طور عام و هدف حقوق مسئولیت مدنی به طور خاص کارایی اقتصادی است. نظام مسئولیت مدنی را می‌توان به عنوان بازاری در نظر گرفت که در این بازار جبران خسارت زیان دیدگان انجام می‌شود. به مانند مانند هر بازار دیگر کارایی اقتصادی زمانی حاصل می‌شود که قیمت پرداختی در اینجا قیمت ناشی از خسارت وارده به دیگران صحیح ارزیابی گردد، صحت قیمت در بحث مسئولیت مدنی بدین معناست که بهای پرداختی زیان زننده واقعاً منعکس کننده خسارت وارده بر زیان دیده باشد. بنابراین مسئولیت مدنی برای عملکرد مؤثر اقتصاد بازار آزاد ضروری می‌باشد. دلیل آن این است که اشخاصی را که فعالیت آن‌ها خطراتی را به جامعه تحمیل، تشویق می‌کند تا اقدامات احتیاطی که توجیه هزینه‌ای دارند را برای کاهش هزینه‌های مورد انتظار فعالیتشان اتخاذ کنند. حقوق مسئولیت مدنی همواره نقش اساسی در حفظ هنجارهای اجتماعی و ایجاد انگیزه احتیاط در اشخاص دارد. در صورتی که به دلیل کاهش قلمرو مسئولیت، انگیزه برای احتیاط کمتر شود، حوادث مرگبار افزایش می‌یابد.

در نظام حقوقی ایران با توجه به اینکه قواعد ما مبتنی بر شریعت بوده به نحوی که اصل ۴ قانون اساسی بیان می‌دارد کلیه قوانین و مقررات باید بر اساس موازین اسلامی باشد و این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و جای دیگر در ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی قضات دادگاه‌ها را موظف دانسته است در صورت فقدان قانون، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد حکم قضیه را صادر نمایند آیا در مقام وضع می‌توان کارآمدی اقتصادی را مورد لحاظ قرار داد؟ و آیا کارآمدی اقتصادی می‌تواند جایگاهی داشته باشد؟

¹ parto

² Caldro hicks

تفسیر قانون مسئولیت مدنی در پرتو کارایی

در تفسیر قواعد مسئولیت مدنی می‌بایست به قواعد مسئولیت مدنی به عنوان ابزارهایی برای تغییر رفتار و سیاستگذاری و تعیین خط مشی نگاه شود و تلاش بر این است که قواعد به نوعی تفسیر شوند که برای رفتار انسان نظریه‌ای علمی ارائه شود. در تفسیر قواعد مسئولیت مدنی باید به اصل مترقی توجه داشت که قواعد و ضمانت اجراها در این حوزه مانند اثر قیمت بر میزان عرضه و تقاضاست. به همان ترتیب که افزایش یا کاهش قیمت کالاها بر رفتار مصرف کنندگان موثر است بین این قواعد و رفتار رابطه مستقیمی وجود دارد. تفسیر قواعد مسئولیت مدنی بر مبنای کارآمدی دارای دو شاخه اثباتی و هنجاری می‌باشد. در تفسیر اقتصادی مسئولیت مدنی فقط به ماهیت و جوهره و چیستی این قواعد توجه می‌شود اما در تفسیر هنجاری میزان انطباق نظام مسئولیت مدنی و قواعد حاکم بر این حوزه با اصول کارایی اقتصادی مد نظر قرار خواهد گرفت. تفسیر در این حوزه باید به شکلی انجام شود که به کارآمدی اقتصادی منجر گردد از این رو غایت و هدف مسئولیت مدنی جبران نمودن خسارات نیست چرا که نظام مذکور به دلیل بالابودن هزینه‌های نظام عدالت وسیله‌ای به مراتب گران برای جبران تلقی می‌شود. پس به روش‌های مختلف می‌توان کارایی نظام مسئولیت مدنی را انتظار داشت. برای مثال تفسیر این قواعد به شکلی که منجر به کاهش آثار اجتماعی ضرر از راه توزیع نمودن آن بین تمام اعضای جامعه یکی از این روش‌هاست. در این بین علوم مختلف به صورت میان رشته‌ای می‌توانند مبنای تفسیر قرار گیرد تا از جزم اندیشی و دگماتیسم حقوقی جلوگیری شود (Babaei & Badini, 2018). در حقیقت رویکرد اثبات گرایانه به قواعد مسئولیت مدنی در نظام حقوقی نوشته و به طور خاص در موضوع پیش رو در نظام حقوقی ایران یکی از آفات مهمی است که جلوی تفسیر به شیوه‌ای که نتیجه و کارآمدی شایسته محقق شود را گرفته است. در یک نظام حقوقی پیشرفته توجه به اصل کارایی اقتصادی یکی از اصول تفسیر قواعد مسئولیت مدنی به شمار می‌رود. از این رو داده‌های حقوقی می‌توانند نقشی به سزا در شکل‌گیری اصول حاکم بر تفسیر قواعد مسئولیت مدنی داشته باشند و مقنن نیز این اصول را در مقام تفسیر به رسمیت بشناسد. البته باید توجه داشت که راه افراط را برای این موضوع باز نگذاشت چرا که بی توجهی به عناصر حقوقی نیز می‌تواند نظام و اصول حاکم بر تفسیر را به ابزاری برا تحقق سیاست‌های اقتصادی به ویژه به صورت جناحی مبدل سازد. از این رو سیاست زدگی نظام مسئولیت مدنی و استفاده از تفاسیری که این امکان را برای این نظام رقم زند از جمله چالش‌هایی است که باید بدان توجه داشت.

نگرش اقتصادی در تفسیر قواعد مسئولیت مدنی در ایران

اما پرسش این است که نگرش اقتصادی در تفسیر قواعد مسئولیت مدنی نیز می‌تواند به نظام حقوقی ایران راه پیدا کند؟ به نظر می‌رسد پاسخ تا اندازه‌ای دشوار باشد و این چالش در نظام حقوقی غرب که نگرش اقتصادی در تفسیر قواعد به عنوان یکی از مبانی پذیرفته شده محسوب می‌شود در ایران با موانعی روبرو شود. فرض تبعیت از نگرش اقتصادی در تفسیر قواعد مسئولیت مدنی مستلزم مبانی مانند فرد گرایی و اصالت دادن به عقلانیت است که در نظام‌های سنتی حقوقی و برای مثال در ایران یا نفی شده یا از مبانی استدلالی محکمی برخوردار نیست یا مبانی موجود به دلیل اثبات گرایی حقوقی کمتر مورد توجه حقوقدانان ایرانی قرار گرفته است. اما مسئله دیگر جهانی شدن حقوقی و اقتصاد است که به واسطه آن قواعد نزدیک از ما دور شده و قواعد دور به ما نزدیک می‌شوند. در حوزه تفسیر قواعد مسئولیت مدنی چندان بعید نیست که تفسیر اقتصادی قواعد مسئولیت مدنی به نظام‌های حقوقی سنتی از جمله ایران راه پیدا نماید (Hamiti Vaghef, 2018). این راهیابی البته بیشتر ممکن است در ابتدا به صورت عاریه گرفتن قواعد باشد و به تدریج شاهد نهادینه شدن آن باشیم. پس مطرح کردن این ادعا که اسلام با اصول کارآمدی اقتصادی در تفسیر مخالفت دارد صحیح نیست زیرا سکوت را نمی‌توان حمل بر مخالفت دانست و از طرف

دیگر نبود قاعده در نظام حقوقی اسلام نیز به معنای تعارض با این نظام نیست. این دو برداشت شاید به اشتباه در برخی از نوشته‌ها مطرح شده باشند. پس بسیاری از اصول کارآمدی اقتصادی با نظام حقوقی اسلام مغایرت نداشته و از حیث مبنایی در مقام تفسیر می‌توان به آن استناد جست. پس در تفاسیر می‌توان احکام مربوط به مسئولیت مدنی را که عموماً تعبدی نیست و بر غایت و غرض دنیوی خاصی ابتناء یافته است تغییر داد و در مقام تفسیر ملاحظات اقتصادی منجر به کارایی را سرلوحه قرار داد. این ادعا البته با دشواری‌هایی روبروست و تنها به عنوان یک فرضیه مطرح شده است.

نقش عنصر عدالت به مثابه کارایی

آنچه در بین حقوقدانان در تحلیل اقتصادی قواعد حقوقی مربوط به مسئولیت مدنی شایع و مرسوم است آنکه آنان عدالت را به مثابه و به منزله کارایی و کارآمدی تلقی کرده اند. بر اساس دیدگاه غیرنئوکلاسیک برای مفهوم کارایی یا کارآمدی مفهوم عمومی رضایت مندی لحاظ شده است و به این ترتیب اظهار شده است که در نظام مسئولیت مدنی کارایی در حوزه تفسیر به دو معنای خاص و معنای عام مورد کاربرد قرار می‌گیرد. در مفهوم عام، کارایی اقتصادی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در مقام قیاس با دیگر روش‌ها ثروت یا رفاه را به میزان حداکثری آن متحقق خواهد کرد. در این مفهوم کارآمدی اقتصادی در مجموعه نظام تفسیر در حوزه مسئولیت مدنی کاربرد دارد. به شکل معمول ساختار و شاکله نظام ترتبی و نظام تفسیری مسئولیت مدنی در پی رسیدن و تحقق کارآمدی می‌باشد. اما باید به مفهوم خاص کارآمدی در حوزه تفسیر قواعد مسئولیت مدنی نیز توجه داشت. در مفهوم اخیر ذکر شده کارآمدی به عنوان ابزاری برای مسئولیت مدنی محسوب می‌شود که دادرس با کاوش در موضوع قادر به استخراج حکم صریح و روشنی از موضوع نبوده است. در این شرایط باید از مفهوم خاص کارآمدی سخن گفت. در کشورهایی که سنت آزادی خواهی یا همان لیبرالیسم بر حقوق اقتصادی و تعامل بین حقوق و اقتصاد حکومت دارد، به دلیل آنکه غایت اصلی در حوزه مسئولیت مدنی تحقق کارآمدی اقتصادی است از این رو باید این مفروض را پذیرفت که در راستای دست یابی به مصلحت قاضی از این اختیار برخوردار باشد که اقدام به تفسیر نموده و چنین تفسیری کاملاً منطقی و عقلایی باشد. در نظام حقوقی ایران چنین سنتی حاکم نیست و اصولاً نظام فکری و ایدئولوژیک خاصی بر حوزه اقتصاد، نظام اقتصادی و حقوق اقتصادی حکومت ندارد و از این رو مجاز دانستن افراد یا قاضی برای کاربرست ملاحظات کارایی با دشواری روبروست.

همچنین باید دانست که مبنای شکل گیری اراده و روابطی که بین طرفین حاکم است چه در حوزه مسئولیت مدنی قراردادی و چه در مواردی به جز آن، همواره اقتصادی نیست که منجر به کارآمدی شود. از موضوع را اندیشمندان غربی نیز همواره مدنظر قرار داده اند و در صحت اقتصادی و کارآمد بودن همه تصمیم‌ها و اعمال افراد تردید جدی روا داشته اند. برای امکان تفسیر قواعد مسئولیت مدنی به ناچار باید از مبنای محکم تر و مستدل تری بهره جست. برای نمونه می‌توان به مکتب حقوق و اقتصاد رجوع کرد که وفق موازین و اصول در نظر گرفته شده در مکتب یاد شده امکان تفسیر قواعد مسئولیت مدنی بر اساس کارایی و کارآمدی وجود دارد. به همین دلیل در سنت‌های اقتصادی شخص کنشگر و معامل شخصی معقول در نظر گرفته شده است و مقصود از شخص متعارف یا انسان معقول کسی است که درصدد افزایش مطلوبیت خویش بوده و علاوه بر آن درصدد است که این مطلوبیت را به میزان حداکثری خود رساند. ولی ترجیحات و موجبات رسیدن به سعادت را شناسایی کرده و برای آن اولویت و سلسله مراتب در نظر دارد و برای دست یابی به مقاصد خود از مسائل مختلف کسب اطلاع می‌کند. تمام مسائل گفته شده از مقدمات تحقق کارآمدی اقتصادی در تفسیر قواعد مسئولیت مدنی است و مفسران حقوق و اقتصاد بر این امور واقف بوده و به سادگی به انتقادهای وارد شده در این حوزه پاسخ داده اند. همچنین در مواردی افراد اگرچه با قصد تحقق کارآمدترین

اهداف امور خویش را پی می‌برند اما رفتار آن‌ها متناسب با رفتار انسان عقلایی و متعارف نیست و به عوامل دیگری در این راه توسل می‌جویند. حال پرسش آن است که چرا الزاماً تفسیر اعمال و رفتارهای آنان می‌بایست بر مبنای کارآمدی اقتصادی باشد. در حقیقت پرسش آن است که تحقق کارآمدی اقتصادی در حوزه مسئولیت مدنی همیشه حتی با قصد و عزم جدی طرفین امکان پذیر نمی‌باشد. در حوزه مسئولیت مدنی قراردادی حتی اگر عقود را تابعی از اهداف کارکردگرایی تلقی نماییم باز هم طرح این ادعا که اشخاص درگیر در رابطه قراردادی تنها تحقق کارآیی و کارآمدی را مد نظر داشته اند مورد قبول نیست. از این رو قبول ابزار و اصول تفسیر بر مبنای مقتضیات کارآمدی با این تحلیل که راهکار پیش رو باعث کشف مقصود مشترک دو طرف است با واقعیت منطبق نیست (Bariklou, 2018).

اما چنانچه این امر مورد قبول باشد که اشخاص اصولاً به دلیل دارا بودن و تحقق مقتضیات کارایی اعمال خود را انجام می‌دهند و به دلیل آنکه بشر به شکل ذاتی مقصد بوده و بر اساس هزینه فایده اقدام به انجام یا عدم انجام امری می‌نماید پس اراده اشخاص بر اساس کارآیی و کارآمدی سازمان یافته است و از این رو چنانچه مقام مفسر قواعد مسئولیت مدنی بر مبنای کارآیی اقدام به تفسیر قواعد نماید به شکل منطقی استفاده از کارآمدی در نظام حقوقی ایران مورد قبول خواهد بود. البته تحلیل و تفسیر اقتصادی در حوزه حقوق در کل و به طور خاص در حوزه مسئولیت مدنی مبنای غربی دارد و باید در این شرایط دو مبنا را با هم ترکیب کرد و امکان ظهور و بروز تعارضاتی هست (Hosseini-Nejad, 2010) در دفاع از مقوله یاد شده همچنین می‌توان به عرف نیز استناد جست و این امر می‌تواند در نظام حقوقی داخلی به کمک اشخاص در مقام تفسیر بیاید تا بدین وسیله امکان کاربرست تفسیر قواعد و اصول مسئولیت مدنی بر مبنای کارآمدی وجود داشته باشد. استناد نمودن به اراده و نظر اکثریت و یا تقلید از نظام بازار به شکلی که در مضامین تحلیل اقتصادی در نظام حقوقی ایران مطرح شده است بر عرف و تبعیت از این منبع حیاتی حقوق دلالت دارد. از این رو می‌توان ادعا کرد که چنانچه از این دیدگاه پیروی نماییم نظام حقوقی ایران واجد ظرفیت لازم برای تفسیر بر مبنای کارآمدی خواهد بود و در مواردی که خلاف لفظی و یا حقوقی وجود دارد می‌توان از معیار کارآمدی بهره برد. این موضوع را می‌توان در مواردی به مسئولیت مدنی قراردادی نیز منتسب کرد. در مواردی که کارآمدی به عنوان ارزش بنیادین در حقوق قراردادهای در نظر گرفته نمی‌شود و مقصود از کارآیی شرط تبانی یا شرط بنایی است این امر اعتبار خود را از اراده اطراف رابطه قراردادی اتخاذ نموده و از این رو طرفین رابطه قراردادی به دلیل آنکه در زمان انعقاد قرارداد توافقی را بر مبنای اصول و موازین کارآمدی منعقد نموده اند در مقام کشف اراده مشترک دو یا چند طرف و در موارد ابهام و اجمال و تعارض و یا سکوت لاجرم می‌بایست به اصول و قواعد کارآمدی و کارآیی استناد جست (Ghasemzadeh, 2019).

کارآیی به مفهوم عدالت است و در نهایت کارآیی به تحقق عدالت منجر خواهد شد. از این رو مفسران و تحلیل گران اقتصادی در حوزه حقوق اقتصادی بر این باورند که چنانچه قاضی دغدغه تحقق عدالت داشته باشد با دنبال کردن عدالت به کارآیی نیز خواهد رسید و این دو در پی هم خواهند آمد. از این رو در یکی از مدل‌های تفسیر یعنی تفسیر شخصی توسط قاضی گفته شده است که نحوه تفسیر می‌تواند عدالت اقتصادی را در حوزه مسئولیت مدنی در پی داشته باشد و در نتیجه این امر به کارآیی منجر خواهد شد.

ایجاد تفسیر معقول از مسئولیت مدنی

اصلاحات اساسی در قانون و تعریف و شناخت مفهوم مسئولیت مدنی و اهداف غایی آن می‌تواند تفسیری معقول و منطقی از این نظام به دست دهد. در مقام تفسیر باید دانست که مسئولیت مدنی تنها نظام حقوقی الزام به جبران نمودن خسارات نیست و در این بین باید ضمانت اجرایی مسئولیت مدنی را نیز در نظر داشت (Safaei & Rahimi, 2018). برای مثال دستور دادگاه برای جلوگیری و پیشگیری کردن از

وقوع خسارات در آینده و رفع تجاوز از حقوق خواهان و مسترد نمودن اموال او بی آنکه خسارتی حادث شود از آن جمله اند. در تفسیر قواعد مسئولیت مدنی باید کوشید که شرایط تحقق مسئولیت را بر دوش دادگاه انداخت. در حقیقت تخصیص دهنده مسئولیت قانون است و نه قاضی. پس باید گفت مسئولیت مدنی عبارت است از تخصیص دادن مسئولیت به شخص زیان دیده یا وارد کننده زیان به وسیله قانون و اعلام آن توسط محکمه. همچنین این مسئله که در چه مواردی نظام مسئولیت مدنی در صدد کاربست و تحقق و به کارگیری عدالت صوری میان طرفین و در چه شرایطی در صدد دست یابی به کارایی اقتصادی و چه وقت قصد تحقق عدالت توزیعی را دارد به نوع خسارت، تقصیر و افعال زیان بار و سایر شرایط یعنی وضعیت شخص زیان دیده و وارده کننده زیان بستگی دارد (Hosseini-Nejad, 2010). پس هدف نظام مسئولیت مدنی بازتوزیع یا برقراری مجدد عدالت بین زیان دیده و وارد کننده زیان است و در این بین رسیدن به کارایی اقتصادی و یا محقق شدن عدالت توزیعی را نیز مد نظر دارد. در ادامه به تحلیل ایرادات وارد بر قانون مسئولیت مدنی اشاره خواهیم داشت.

مقوله اول در عدم پیش بینی همه خسارات در مواد قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ است. چنانچه مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی از خسارت‌های مادی و معنوی سخن رانده اند و به نظر می‌رسد نظام حقوقی ایران در تطبیق با اصول تحلیل اقتصادی ضررهای معنوی را نیز لحاظ نموده است و از این حیث قابل نقد نیست. اما نکته مغفول مانده عدم النفع است. عدم نفع را می‌توان به معنای عام یا خاص آن به کار برد. در مفهوم خاص عدم نفع به این معناست که پیش بینی می‌شده منافعی در آینده حاصل گردد ولی به علل نقض قرارداد در مسئولیت مدنی یا به سبب فعل زیانبار در مسئولیت مدنی منافع مذکور متحقق نشده است. اما در مفهوم عام عدم نفع به معنای ضرر اقتصادی است و ضرر مذکور دارای منشا مالی یا جسمی نیست. این مقوله با توجه به نظریه‌های فقهی که مشهور فقیهان امامیه خسارت‌های مرتبط با عدم النفع را قابل جبران ندانسته اند نیز چالش‌های دیگری را به وجود می‌آورد زیرا بیشتر فقهای امامیه بر ضرر نبودن عدم النفع اتفاق نظر دارند. پس در کل در این مورد که عدم نفع قابلیت جبران دارد یا خیر در نظام حقوقی ایران تئوری واحدی وجود ندارد. بسیاری در نظام حقوقی ایران قوانین جبران کننده عدم النفع را استثنایی بر اصل کلی عدم جبران ضررهای اقتصادی دانسته اند (Babaei, 2011).

البته مواردی نظر ضرر اقتصادی ناشی از نقض قرارداد و نقض حق قانونی و جرم از جمله استثنائات وارد بر این مقوله است که قائل شدن با حق اخیر را توجیه می‌نماید. حقوقدانان ایرانی مبنای حقوق قراردادهای را هنوز در فردگرایی افراطی و حاکمیت اصل اراده خلاصه نموده اند و مفهوم ضمانت را در معنای مسئولیت خلاصه کرده اند.

ضمانت اجرای قراردادی در دو دسته تضمین‌های مرتبط با اجرای قرارداد و همچنین ابزارهای حمایت از شخص متضرر قرار دارند و به این ترتیب می‌توان گفت ضمانت اجرا شامل کلیه ابزارهای قانونی و قراردادی است که به شکل مستقیم یا به طور غیرمستقیم شخص متعهدله یا متضرر را در مسیر دست یابی به نفع انتظاری از قرارداد کمک می‌رساند. طرح تئوری قراردادهای همبسته به وضوح نشان می‌دهد که قرارداد و نظام مسئولیت مدنی واحدهایی مجزا و مستقل از یکدیگر تلقی نمی‌شوند (Cooter & Thomas, 2005). بلکه بین نهادهای مذکور نوعی یک پارچگی و اتحاد وجود دارد و روابطی دو یا چندسویه بین آن‌ها برقرار می‌باشد که نقض یکی به نظم حقوقی و اجتماعی آسیب می‌رساند و اگر نظام مسئولیت مدنی به شکل دقیق در این حوزه تنظیم نشود نمی‌توان اعتمادی به قرارداد و آثار و تبعات آن داشت.

در نظام حقوقی ایران و همچنین در فقه امامیه عدم النفع به امری اطلاق می‌شود که صرفاً به محروم شدن از افزایش اقلام مثبت دارایی مربوط باشد در صورتی که ضرر اقتصادی ناظر به محروم شدن از اقلام مثبت و منفی است. پذیرش کاربست خسارت اتکایی یا خسارت انتظاری یا خسارت متوقع که برگرفته از نظام حقوقی کامن لاس است و در نظام حقوقی رومی ژرمنی به آن خسارت مثبت گفته می‌شود راه حل مناسب تری

است که می‌تواند منجر به کارآمدی اقتصادی شود. میزان جبران خسارت انتظاری عبارت از میزان غرامتی می‌باشد که ارزش آن برای متعهدله با ارزشی که انتظار آن در اثر ایفاء تعهد می‌رود برابر است (Bussani & Parisi, 2003). شیوه مذکور متعهد را در موقعیتی قرار می‌دهد که گویی قرارداد ایفاء شده است و در نهایت می‌توان شاهد کارایی اقتصادی بود. اگرچه به این دعوا در نظام حقوقی ایران دعوای عدم النفع گفته می‌شود اما این دعوی از جهت مسلم و قطعی بودن منافعی که در صورت اجرای تعهد عاید متعهدله می‌گردد با چالش‌هایی مواجه است. پس یکی از معیارهای کارایی قراردادهای جلوگیری از نقض قراردادهای و حفظ ثبات آنهاست. اگر میزان خسارت پرداخت شده به وسیله متعهد از هزینه اجرای قرارداد کمتر شود وی بیشتر به نقض قرارداد متمایل است و این از کارایی اقتصادی می‌کاهد. با قبول نظریه خسارت انتظاری در حقوق ایران و کاربست سازوکارهای مربوط به آن می‌توان کارآمدی را در این بخش از نظام مسئولیت مدنی شاهد بود.

تحلیل ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی بر مبنای عنصر کارایی

نکته دیگر در مورد ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی است که مسئولیت قراردادی را در مورد خاص یعنی در نگاهداری از صغیر و مجنون را مطرح نموده است. ضعف نظام مسئولیت مدنی ایران در این قانون آنجایی مبرهن است که حمایت از ضررهای اقتصادی می‌بایست در حقوق قراردادهای مطرح باشد و این می‌تواند علامتی از کارایی اقتصادی تلقی شود.

در مورد ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی فرض اول آن است که اگر کارمند اداری به دیگران خسارت وارد کند، خودش باید جبران خسارت نماید. در این فرض، بین عمد و بین احتیاطی تفاوتی وجود ندارد؛ یعنی چه سوءنیت داشته باشد و چه سوءنیت نداشته باشد، بر اساس اصل جبران کامل خسارت در مسئولیت مدنی، مسئول اعمال خویش است. در نظام حقوقی ایران، قانونگذار اصل را بر تقصیر مستخدم قرار داده است؛ مگر آنکه خلاف آن اثبات گردد. عمل منجر به زیان در صورتی به عنوان تقصیر دولت محسوب می‌شود که نتوان عمل را به تقصیر شخصی مستخدم منتسب نمود. به نظر می‌رسد در این مورد مفروض دانستن تقصیر برای مستخدم دولت موجب شود کارایی اقتصادی وی در طول زمان کاهش یابد. چگونه می‌توان انتظار داشت کارمند دولت را رعایت احتیاط بیش از حد بتواند امور اداری را به بهترین شکل و طوری انجام دهد که منجر به کارایی اقتصادی شود. در نظام مبتنی بر مسئولیت محض برای کارمند اداری انجام دهنده امور اداری ملزم است تا هزینه‌های خارجی فعالیت خویش را تحمل کند. این نوع از مسئولیت واردکنندگان ضرر و زیان بالقوه را مجبور می‌سازد تا با اتخاذ آن بخش از اقدامات احتیاطی که از نظر هزینه توجیه پذیر می‌باشد در زمینه ایمنی سرمایه گذاری بهینه کرده و به این شکل منابع به شکلی کار تخصیص پیدا کند. در نظام مبتنی بر تقصیر این هزینه‌هایی که از منظر اقتصادی ارزش پیشگیری ندارند بر عهده شخص زیان دیده است ولی در نظام مبتنی بر مسئولیت محض بر عهده وارد کننده ضرر می‌باشد.

فرض دوم آن است که خسارت وارده مستند به عمل کارمند نیست؛ یعنی مداخلیتی در ورود خسارت ندارد یا این امر اثبات نمی‌شود و خسارت مستند به نقص وسایل اداره است. در این مورد، اداره مسئول جبران خسارت است. پس در حالت اول و دوم، شخص مسئول جبران خسارت به ترتیب کارمند و اداره‌اند. درخصوص زیان‌هایی که در راستای انجام وظایف به وقوع می‌پیوندد، اصل بر تقصیر دولت است؛ مگر آنکه بتواند تقصیر شخصی مستخدم را ثابت کند. از منظر کارایی اقتصادی پیش فرض عدم تقصیر شخصی مستخدم بر این مبناست که مستخدم، آموزش‌های لازم را دیده و تجربه مورد نیاز را به دست آورده است، قاعداً نباید به ارتکاب عامدانه یا خارج از صلاحیت وظایف خویش بپردازد (Shavell, 2002, 2005).

فرض سوم، صلاحیت اختیاری (تخیری) در جبران خسارت به اداره می‌دهد؛ زیرا در جایی که عمل دولت از جنس عمل حاکمیتی (نه تصدی) است و با سه عنصر ضرورت، تأمین منافع اجتماعی، مطابقت با قانون موجب ضرر دیگری شود، به تصریح مقنن دولت مجبور به جبران خسارت نمی‌باشد و مخیر به جبران خسارت یا عدم جبران خسارت است. در نقد سه عنصر یادشده باید بر کلی بودن و عدم اجماع و وجود اختلاف نظر تاریخی علمی در این مورد اشاره داشت. همچنین تأمین منافع اجتماعی، هدف کلیه اعمال دولت است و نمی‌توان آن را ویژه اعمال حاکمیت دانست. پس اگر به این عنوان بتوان دولت را از مسئولیت مبرا دانست، باید سازمان حکومتی را نیز در همه کارها مصون از تعقیب دانست. این عدم اجبار به این معنی است که چنانچه دولت تشخص داد، خسارت را جبران می‌نماید و در غیر این صورت حتی با وجود و اثبات خسارت بدون جبران باقی خواهد ماند. پس تقسیم اعمال دولت به حاکمیت و تصدی که سال‌هاست در زادگاه خود یعنی فرانسه منسوخ شده، سبب بازشدن چتر مصونیت بر سر دولت خواهد شد که با نظام جبران خسارت و در نهایت کارآمدی اقتصادی در تعارض آشکار است.. شورای دولتی برخی از کشورها، مانند مصر، بر اساس اصل هر نوع خطایی که سبب وقوع ضرر و زیان به غیر گردد، مرتکب آن ملزم به پرداخت خسارت است، تمامی خطاهای اداری را خطای شخصی و مسئولیت‌آور تلقی کرده و فقط زیان‌هایی را که نمی‌توان به یک یا چند کارمند معین نسبت داد، بر عهده دستگاه اداری قرار داده است.

اما در مسئولیت مدنی در موردی که ضرر خصوصی از ضرر اجتماعی بیشتر است اصولاً می‌بایست آن بخش از ضرر خصوصی شخص زیان دیده جبران شود که نشان دهنده یک هزینه اجتماعی است. به نظر می‌رسد با کاربست عبارت «تأمین منافع اجتماعی» در ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی به این مهم توجه داشته است. همچنین ماده ۱۳ قانون مسئولیت مدنی مقرر داشته است که کارفرمایان مشمول ماده ۱۲ مکلفند تمام کارگران و کارکنان اداری خود را در مقابل خسارت وارده از ناحیه آن به اشخاص ثالث بیمه نمایند. به نظر می‌رسد این ماده بیمه را به عنوان جایگزین طرح مسئولیت مدنی و جبران خسارت مطرح ساخته است.

در کل در قانون مسئولیت مدنی ایران اصل معین بودن نظام مسئولیت مدنی رعایت نشده است و این موضوع به علت ایجاد ابهام در این نظام از کارایی اقتصادی آن می‌کاهد. ابهامات موجود در قانون مسئولیت مدنی این نظام از راه وضعیت مطلوب و کارآمد اقتصادی به دور ساخته است. از این رو می‌توان از کشورهای مدل یا از نظام‌های فراملی استفاده نمود و به سمت عیوبی که منجر به افزایش کارآمدی می‌شوند حرکت کرد. همچنین تأکید بیش از اندازه بر نص گرایی افراطی سبب شده که اعتبار روابط حقوقی از جمله مسئولیت قراردادی صرفاً به اراده دو طرف رابطه متکی باشد و در فرض عامدانه رعایت ننمودن شرایط اساسی عقد، نقش قاضی در تکمیل شکاف‌های موجود که می‌تواند کارایی اقتصادی را در پی داشته باشد مغفول مانده و از کارایی نظام مسئولیت مدنی کاسته شود.

همچنین نظام حقوقی ایران با اصل تناسب ضمانت اجراها فاصله زیادی دارد. به علت نبود مقوله مستقلى در مورد مسئولیت قراردادی در فقه و توجیه کردن مسئولیت نقض کننده عهد بر اساس قواعد لاضرر و اتلاف و تسبیب، به نوعی می‌توان گفت مسئولیت قراردادی به عنوان مسئولیت مطلق در نظر گرفته شده است که میزان درجه تقصیر و انگیزه شخص متعد نیز از شخص متعهدله سلب می‌شود و از طرف دیگر این دیدگاه موجب شده مه نهاد جبران خسارت مانند مسئولیت قهری به دنبال بازگرداندن متعهدله به موقعیت پیش از تحقق ضرر باشد (Salimi & Parsarpour, 2021).

در بعد فنی نیز نظام مسئولیت مدنی در ایران از کارایی لازم برخوردار نیست. برای مثال عدم توجه به ظرفیت نهفته در عرف‌های مسئولیت مدنی و عدم توجه به ظرفیت موجود در نهاد حق فسخ در نظریه نقض احتمالی قرارداد و عدم پذیرش قابلیت جمع چند ضمانت اجرای

غیرقابل تعارض در نظام مسئولیت مدنی موجب شده که این نظام در ابعاد فنی نیز با چالش عدم کارایی مواجه شود. در نقطه مقابل می‌توان به برخی از نظام‌های مدرن حقوقی و همچنین اسناد فراملی در این حوزه اشاره داشت.

وضع قانون مسئولیت مدنی در پرتو کارایی

از جمله مهمترین اهداف قانون مسئولیت مدنی در هر نظام حقوقی مقوله جبران خسارت است. قانونگذار در زمان وضع قانون مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران، به سنن و منابع گوناگون و به بیان بهتر به مبانی توجه نداشته است. این موضوع اگرچه موجب عدم کارایی قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ شده است اما می‌توان عوامل دیگری نظیر مساعی قانونگذار در جبران خسارت از طریق قوانین دیگر نظیر قوانین کیفری، کار و تجاری را دلیل دیگر عدم کارایی در مرحله وضع دانست. بنابراین در ابتدا می‌توان گفت که با نوعی عدم انسجام و پراکندگی در وضع قانون مواجه ایم که عنصر کارآمدی را با چالش مواجه می‌کند. ناهماهنگی، نبود انسجام و تناقض در وضع قانون در این حوزه تعارض‌هایی را ایجاد نموده است که نیازمند مقنن را مجبور به بازبینی و ساماندهی دوباره قوانین می‌نماید. در کل چالش‌ها و آسیب‌های نظام قانونگذاری در حوزه مسئولیت مدنی را می‌توان به چهار بخش تقسیم بندی نمود. بخش نخست آسیب‌ها و چالش‌هایی است که کلیت نظام تقنینی در کشور با آن مواجه است. بخش دوم چالش‌ها و آسیب‌های پیش از تصویب قانون می‌باشد. سومین بخش اما به چالش‌ها و مشکلات فرآیند و پروسه قانونگذاری مرتبط است و در نهایت در چهارمین بخش به موضوع مشکلات بعد از تصویب قانون خواهیم رسید. اهمیت زیاد قانون و تاثیر گسترده آن بر زندگی مردم، ایجاب می‌کند تا قانون‌گذار از شیوه آزمون و خطا پرهیز نماید. مطابق اصول حاکم بر روش قانونگذاری از نظر دادگاه قانون اساسی آلمان، مقنن موظف است آثار و عواقب قابل پیش‌بینی قانون مورد نظر را که احتمالاً در آینده بروز خواهند کرد، بررسی و ارزیابی کند. این پیش‌بینی‌ها تا حد امکان باید مستند، همراه با ذکر علل و عوامل و مستدل بوده و از احتمال و امکان معقولی برخوردار باشند. بنابراین بررسی آثار و نتایج احتمالی یک قانون مسئولیت مدنی از منظر کارایی اقتصادی قبل از تصویب و اجرایی شدن آن و پیش‌بینی صحیح و علمی آثار یک قانون و در نظر گرفتن عواقب منفی اجرای آن موجب می‌شود، قانون‌گذار با احتیاط و دقت بیشتری قانون مسئولیت مدنی را وضع نماید و آثار و نتایج منفی آن را به حداقل برساند (Dadgar & Khodkar, 2017).

رعایت اصول قانونگذاری مدرن در حوزه مسئولیت مدنی

همچنین برای کارایی بهتر اقتصادی قوانین مسئولیت مدنی قانون در این حوزه باید شفاف، روشن و بدون ابهام و اجمال باشد. مصوبات پارلمان باید روشن، قابل فهم، منسجم و سازگار با قوانین و سیاست‌های موجود باشد. متن مصوبه باید منطبق با اهدافی باشد که بدان منظور طراحی شده است و به زبان ساده و همه فهم نوشته شده باشد. شفافیت، خوانایی و در دسترس بودن قانون "را به عنوان یکی از غایت‌های دارای ارزش قانون اساسی شناخته شده است (Gerhard, 2002). ضرورت وضوح قانون (و بالطبع نظام حقوقی) و به عبارت دیگر، قابل دسترس بودن قوانین و نظام حقوقی حائز اهمیت زیادی است که رعایت آن را در فرایند قانون‌گذاری الزامی می‌نماید. برخی از مواد قانون مسئولیت مدنی با یکدیگر یا با سایر قوانین و مقررات این حوزه تعارض دارند که از میزان کارآمدی اقتصادی خواهد کاست. قانون نباید ناقص یا مجمل باشد و نباید با قوانین دیگر تعارض داشته باشد. قانون می‌بایست جوانب مختلف یک موضوع را در برگیرد به نحوی که قانون مورد نظر در آن موضوع دچار اجمال، نقص و خلاء نباشد و در عین حال هیچ یک مواد قانونی خارج از آن موضوع نباشد و به اصطلاح منطقیون جامع و مانع باشد.

علاوه بر این اصول قانون گذاری نوین در حوزه مسئولیت مدنی ایجاب می‌کند که کلیه احکام قانونی مربوط به موضوع کلی و زیر شاخه‌های آن منحصرأ در قالب یک قانون جامع (کد) وضع گردد و اصلاح مواد مربوط نه در قانون مستقل، بلکه با عنوان لایحه یا طرح اصلاح مواد مربوط از قانون جامع (مادر) یا لایحه یا طرح الحاق موادی به قانون جامع (مادر) پیشنهاد و تصویب شود. در قوانین بسیاری از کشورهای معاصر، شماره گذاری مواد قانون فعال است که امکان افزودن مواد جدید به قانون بدون تغییر در شماره و ترتیب مواد موجود را فراهم می‌سازد. اگر قوانین در حوزه‌های مختلف قانونی به صورت مجموعه قانونی همچون قانون مدنی تصویب شود، اصلاح مواد قانونی با مشکلات و تبعات کمتری امکان پذیر است و مخاطبان قانون نیز دچار سر در گمی نمی‌شوند. بسیاری از قوانین در ایران از جمله قانون مسئولیت مدنی در قالب مجموعه‌های قانونی تدوین نشده و تمایل قانون گذار بیشتر بر تصویب قوانین جزیی است تا قوانین جامع. مزیت تصویب قوانین جامع علاوه بر ایجاد احساس رضایتمندی در عموم افراد جامعه از حیث رعایت عدالت و یکسان بودن قوانین نسبت به همه، امکان مراجعه به این قوانین در موارد ابهام و خلأ قانونی است که در نهایت منجر به اجرای قواعد یکسان در موارد مشابه خواهد شد. در واقع وضع قوانین جزئی امکان کشف اراده قانون گذار در موارد سکوت را دشوار می‌سازد. و همین موضوع علاوه بر ایجاد سر در گمی برای مردم، دستگاه‌های اجرایی و حتی قضات، تغییر و اصلاح قوانین را مشکل و پرهزینه ساخته است.

عدم کارایی در نظام مسئولیت مدنی که مربوط به کلیت قانونگذاری در این حوزه می‌باشد به متعدد و متکثر بودن نهادهای قانونگذاری باز می‌گردد که نظام قانونگذاری را به نظامی موازی و چند وجهی مواجه ساخته است. موازی سازی نهادهای قانونگذاری در نتیجه معضل تورم قوانین را در پی خواهد داشت. در این بخش نیاز سنجی در تصویب قوانین مسئولیت مدنی می‌تواند منجر به کارآمدی اقتصادی شود.

ابهام در وضع قانون در حیطه مسئولیت مدنی چالش مهم دیگر است. مسئله زمانی ابعاد مهم تری می‌یابد که فواصل زمانی تصویب و وضع قانون زیاد نیست و این امر به اصلاحات مکرر و درخواست نظریه‌های تفسیری از قانون منجر خواهد شد. در مواردی مطابق استدلال شورای نگهبان، تفسیر قانون توسط مجلس شورای اسلامی نوعی قانونگذاری مجدد و جدید محسوب می‌شود و از این رو این نهاد اقدام به رد مصوبه مجلس در تفسیر قانون کرده است. یکی از تعارض‌های مهم در این حوزه به حوزه قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸ و قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو مصوب سال ۱۳۸۶ مربوط می‌شود که در مورد مفهوم مصرف کننده، مبنای مسئولیت مدنی و گستره مسئولیت مدنی تفاوت‌های به چشم می‌خورد که نمی‌توان دلیل علمی و منطقی برای آن پیدا نمود و تنها حکایت از تشتت آراء و روان گسیختگی در نگارش قانون حکایت دارد. در حالی که وفق قانون حمایت از مصرف کنندگان، مسئولیت عرضه کننده به مقوله قانون، یا به نهاد قرارداد و یا در نهایت به عرف احاله شده است اما در قانون حمایت از حقوق مصرف کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ به وضوح تعهد عرضه کننده خودرو در مدت ضمانت به مقوله تعهد به نتیجه مرتبط است و وی با اثبات نمودن بی تقصیری خویش قادر نیست از زیر بار مسئولیت شانه خالی نماید. در خصوص عرضه کنندگان خدمات در بیشتر کشورها باید گفت، تعهد آن‌ها را باید تعهد به وسیله محسوب کرد و در مورد آن‌ها تضمین نمودن سلامت خدمات به منزله تضمین کردن نتیجه نمی‌باشد چرا که امکان دارد خدمات به شکل صحیح و سالم عرضه گردیده باشد اما نتیجه مطلوب به دست نیامده باشد. برای نمونه ممکن است پزشکی اقدام به ارائه خدمات به شکل منطقی و مطابق اصول پزشکی نماید اما حال بیمار خوب نشود یا آن گونه که در نظر دارد بهبود پیدا ننماید. در حقیقت، تضمین نموده سلامت خدمت از طریق این نوع از عرضه کنندگان به مفهوم آن است که مطابق موازین و اصول و معیارهای شغلی خویش اقدام به عرضه خدمت نمایند. در مورد ذکر شده تغییرات انجام شده در لایحه ارائه شده توسط دولت به مجلس شورای اسلامی، به دلیل منطبق نمودن نظر شورای نگهبان قانون

اساسی با موازین شرعی است و به نظر می‌آید مقصود فقهای این نهاد از مقوله شرع این است که گستره و مبانی نظام مسئولیت مدنی عرضه گران کالا و خدمت در ابواب بیع، اجاره خدمات و نظیر آن محصور گردد و این در شرایطی است که احکام مقوله مسئولیت مدنی عرضه کنندگان خودرو و حقوق مصرف کننده به این دو باب محدود نیست و ضمان، دعوا، حسبه و مباحث دیگری نیز در شرع مقدس اسلام وجود دارند که کارساز بوده اند. از آن جمله می‌توان به احکام ثانویه و اصل لاضرر اشاره نمود. علاوه بر موارد گفته شده می‌توان گفت در برخی از موارد در فقه امامیه مسئولیت مدنی بر مبنای تئوری قابلیت استناد پی ریزی شده و نه بر اساس تئوری تقصیر و برخی از پژوهشگران حوزه حقوق خصوصی معتقدند که مغایرت مسئولیت تضامنی با مقوله شرع پایه و اساس علمی ندارد.

ضرورت تحول در نظام تنقیح قوانین در حوزه مسئولیت مدنی

همچنین باید گفت در حوزه مسئولیت مدنی، مانند سایر حوزه‌ها نظام تنقیح دقیق و روشنی وجود ندارد. تنقیح به معنای زدودن بدنه قوانین از زواید و پلشتی‌هاست که طی زمان بر آن‌ها عارض شده است؛ مانند موارد منسوخ و رفع اغلاط چاپی؛ در نتیجه نگاه آن ناظر به گذشته است. کدیفیکه کردن به معنای گردآوری و جمع‌آوری و تدوین است. تدوین، نگاهی رو به جلو دارد و عبارت است از چاپ و انتشار منظم قوانین تنقیح شده. بنابراین می‌توان تنقیح را مدیریت در گذشته و تدوین را مدیریت در آینده قوانین و مقررات تلقی نمود. یکی از معضلات رایج و دست‌وپاگیر نظام مسئولیت مدنی در ایران، تورم قوانین است. قوانین و مقررات این حوزه به دلیل تعدد و تکرار دسته‌بندی نمی‌شوند؛ از این رو عدم تدوین به عنوان یکی از مشخصه‌های بارز نظام مسئولیت مدنی در آثار کلاسیک مورد اشاره قرار گرفته است. وجود نهادهای موازی تقنینی در این حوزه، نگارش غیرشفاف برخی از مواد قانون مسئولیت مدنی، توسل به تصویب قوانین تفویضی در این حوزه، عدم تغییر و حذف قوانین تکراری، استفاده از افراد غیرمتخصص در قانونگذاری حوزه مسئولیت مدنی از جمله اسباب و عوامل تورم قوانین حوزه مسئولیت مدنی است. نمایندگان مجلس شورای اسلامی که رسالت اصلی قانونگذاری را در این زمینه بر عهده دارند، با پیش نویس مناسب و شایسته طرح‌ها و اعضای دولت با پیش نویس درست لوایح و تشریح و بررسی آن در صحن علنی مجلس و نظارت بر جریان تصویب می‌توانند آسیب‌های مرحله وضع قانون را به حداقل رسانیده و کارایی و کارآمدی را در این حوزه رقم زنند. به نظر می‌رسد در زمان تصویب قانون مسئولیت مدنی ۱۳۳۹ قانونگذار تا حدی برای روزآمدی و کارایی بهتر قوانین به این موضوع توجه داشته است.

در کلیت نظام قانونگذاری در ایران، نظیر اکثر قواعد حقوقی، قواعد حوزه مسئولیت مدنی ترکیبی از قواعد و سنن اسلامی و قوانین اخذ و اقتباس شده از حقوق کشورهای غربی است. به نظر می‌آید واضعان قانون مدنی در تصویب این قانون جانب احتیاط را لحاظ کرده اند چنانچه در عناوینی نظیر غصب، اتلاف و همچنین تسبیب که مبانی تشکیل دهنده ضمان قهری می‌باشد و نفوذ حقوق کشورهای اروپایی در آن مشخص و مسجل است از عناوین و اصطلاحات گفتمان فقهی استفاده شده است.

شیوه وضع قانون کارایی و کارآمدی علمی را نیز با چالش مواجه ساخته است. از منظر علمی هر تقسیم بندی دلیل داشته و منشا اثر خواهد بود. تفسیر حاکم بر قانون که بعداً از آن سخن خواهیم گفت نیازمند انسجام و ارتباط علمی است و می‌بایست رشته‌ای به هم متصل در زمان تحلیل علمی مد نظر باشد. برای تحلیل قواعد مسئولیت مدنی به دلیل پراکندگی و عدم انسجام با کارآمدی مواجه نیستیم زیرا آشنایی با مبانی مسئولیت مدنی نیازمند تسلط بر پیشینه و سبقه فقهی است و در حالی که تئوری‌هایی نظیر تقصیر و خطر از مبانی مستخرج از حقوق کشورهای اروپایی می‌باشد.

تاثیرپذیری نظام مسئولیت مدنی از تحولات اقتصادی

تحولات اقتصادی و عامل اقتصاد یکی از زمینه‌های مهم تحول در نظام مسئولیت مدنی نیز به شمار می‌رود که به آن پویایی و طروات ویژه‌ای بخشیده است. حوادث ناشی از عوامل اقتصادی و صنعتی که با صنعتی و مدرنیزه شدن جوامع اتفاق افتاد نیازمند تصویب قانون مستقلى در این حوزه از قانون مدنی بود که در زمان خود به نحو شایسته این اقدام صورت گرفت. در حقیقت در راستای رسیدن به مطلوبیت و کارآمدی شایسته و مناسب تر و کافی ندانستن قانون مسئولیت مدنی برای پاسخ دهی به معضلات آن روز جامعه قانون ذکر شده تصویب شد.

به واسطه معضل مذکور، شهروندان برای شناخت، فهم و بهره‌برداری از قوانین و مقررات هزینه‌هایی را متحمل می‌شوند. به واسطه ابهام و پیچیدگی قوانین مسئولیت مدنی، شهروندان در کوتاه‌مدت به حقوق خود اطمینان ندارند و در میان‌مدت نیز نمی‌توانند به ثبات وضعیت‌های حقوقی امیدوار باشند. بدین واسطه جامعه از حکومت قانون در حوزه مسئولیت مدنی فاصله می‌گیرد و به سمت حاکمیت مأموران حکومت پیش خواهد رفت. همچنین به دلیل تشتت و عدم وضوح قوانین و مقررات حوزه مسئولیت مدنی مدیران و کارمندان دستگاه‌های اداری در اخذ تصمیم، گرفتار کاغذبازی و اتلاف وقت و هزینه سازمان خواهند شد.

چالش دیگر که کارایی قانون مسئولیت مدنی را با بحران مواجه کرده مقوله توجه نمودن به حقوق تطبیقی در وضع قانون مسئولیت مدنی است. در سال‌های اول پس از انقلاب اسلامی، بحث کامل بودن و جامعیت فقه در فضایی انقلابی باعث شده که استناد به حقوق بیگانه به شکل یک ضد ارزش در نظام حقوقی جلوه نماید چرا که برخی وجود اصول، نهادها و ساختاری موجود در کشورهای دیگر را غیرشرعی و ناصحیح تلقی می‌کردند و باور داشتند که نه در حوزه حقوق شکلی و در زمینه حقوق ماهوی نظام حقوقی ایران بی‌نیاز از استناد و مدد جستن از حقوق سایر کشورهاست. اما راهکار تعدیل شده استفاده از سازوکارهای موجود در سایر نظام‌های حقوقی است که بنا به مورد حقوقدانان از آن بهره جسته اند. از این رو بیشتر مساعی برای تغییر دادن قوانین و مقررات معطوف به اصلاح و تغییر قوانین و همچنین اخذ رویه مناسب در وضع و اجرای قانون از سایر نظام‌های حقوقی و کشورها بوده است. تجربه تصویب نمودن قانون مسئولیت مدنی شاهد خوبی بر این مدعاست. به تعبیری می‌توان تصویب قانون مسئولیت مدنی را در ایران به نوعی وصله‌ای ناجور دانست که از منظر مبانی و اصول با فقه و کلیت نظام حقوقی ایران در حوزه مسئولیت مدنی سازگاری ندارد.

امروزه برای نظم‌بخشی منطقی به قوانین و مقررات و حتی رویه‌های قضائی در حوزه مسئولیت مدنی می‌توان از سازوکار مقررات‌زدایی بهره برد. این اشکال می‌تواند ناشی از تصویب قانون توسط نهادهای موازی یا غیر صلاحیت دار قانونگذاری در این حوزه باشد. مرجع صالح برای قانون گذاری، مردم یا مرجعی است که اعضای آن توسط مردم انتخاب می‌شوند. معمولاً اعضای مجلس نمایندگان در نظام قانون گذاری تک مجلسی و مجلس نمایندگان و سنا در نظام‌های دو مجلسی مراجع صالح برای قانون گذاری محسوب می‌شوند. مجالس از یک سو نهادهایی انتخابی و از همین رو آینه دار احساسات و افکار شهروندان هستند و از سوی دیگر، سرچشمه قوانینی هستند که کشور براساس آن‌ها اداره می‌شود. در هم آمیختگی این دو ویژگی در یک نهاد، دلیل اهمیت بی‌مانند مجالس قانونگذاری در نظام‌های حقوقی مدرن است. بنابراین با حذف نهادهای موازی تقنینی در این حوزه، نگارش غیرشفاف و منطقی قوانین مسئولیت مدنی، ممنوعیت تصویب قوانین تفویضی، تغییر و حذف قوانین تکراری و دسته‌بندی منظم و پیداکردن قوانین ناسخ و منسوخ از هم و همچنین استفاده از افراد متخصص در قانونگذاری، می‌توان بر مشکل مذکور فائق آمد.

اما تصویب قوانین مسئولیت مدنی به معنای پایان قانونگذاری نیست؛ بلکه اطمینان از اجرای مقاصد و اهداف مجلس و یافتن موانع اجرای آن، تنقیح و تدوین قوانین این حوزه را ضروری می‌سازد. قانون مسئولیت مدنی می‌بایست از جنبه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی قابلیت اجرا داشته باشد. قانون برای اجرا تصویب می‌شود، قانونی که به دلایل مختلف قابلیت اجرا نداشته باشد، شان قانون گذاری را پایین می‌آورد. اگر قانون گذار بدون در نظر گرفتن منابع قابل دسترسی جامعه، قانون وضع نماید در حقیقت دستوری صادر کرده که یا امکان وقوع پیوستن آن وجود ندارد یا اینکه تلاش برای اجرای آن، قطعاً موجب بروز مشکلات و پیچیدگی‌های فراوانی در زندگی افراد و جامعه خواهد گردید. وجود قوانین متروک، نشان دهنده بی توجهی قانون گذار به اصل قابلیت اجرا داشتن قانون می‌باشد.

ایجاد سازمان و نهاد تخصصی تنقیح و تدوین قوانین در حوزه مسئولیت مدنی، امری لازم است و منجر به کارایی و مطلوبیت در این حوزه خواهد شد. به دلیل ارتباط سازمان تنقیح قوانین و مقررات با دولت و مجلس، حفظ استقلال تشکیلاتی و بی طرفی این سازمان و استفاده از مشاوران و متخصصان حقوقی در این زمینه خاص، اهمیت بسزایی دارد. این سازمان در مقام نهادی مشورتی و کارشناسی باید بتواند مورد مراجعه قرار گیرد.

در مورد وضع کارآمد قوانین مسئولیت مدنی در ایران مقوله منابع نیز با چالش مواجه است. در قانون مدنی ایران از چهار عنوان غصب و آنچه در حکم غصب است، اتلاف، تسبیب و همچنین استیفاء به عنوان ضمان قهری یاد شده است. به تعبیر مشهور حقوقدانان می‌بایست عناوین دیگر (ایفاء ناروا) مندرج در مواد ۳۰۱ تا ۳۰۵ قانون مدنی، اداره فضولی در ماده ۳۰۶ قانون مدنی و همچنین استفاده بدون جهت را نیز اضافه نمود. نقدی که بر قانون مدنی در این حوزه وارد است اینکه نمی‌توان استیفاء را در شمار اسباب مسئولیت مدنی به حساب آورد چرا که پایه و مبنای دین در این خصوص وارد نمودن ضرر به شخص طرف مقابل نمی‌باشد. مقنن شخصی را که از مال یا کار شخص دیگری با اذن وی سود کرده مکلف می‌سازد تا عوض آن چه را استیفاء نموده پرداخت نماید، حتی چنانچه به شخص مالک و شخص عامل هیچ نوع خسارتی وارد نگردیده باشد. ایفاء ناروا، اداره فضولی مال و همچنین استفاده بدون جهت هم در شمار وقایع حقوقی است و مبنای ضمان در این موارد بازگرداندن مالی می‌باشد که به شکل ناروا تملک گردیده است. غایت اصلی در غصب، اتلاف و همچنین در تسبیب جبران نمودن ضرر و خسارت‌های وارد شده است و به دلیل ذکر شده مقنن مسئولیت غاصب و متخلف را تشریح نموده است. غصب تئوری مستقلی است که البته با مسئولیت مدنی نیز مشترکاتی دارد. فقیهان امامیه، در یک باب به بررسی ضمان ید و ضمان ناشی از اتلاف و تسبیب اقدام کرده اند. از منظر علمی می‌توان این روش را مفید و کارآمد تلقی نمود زیرا در هر دو دسته از ضمان می‌توان از بعضی از قواعد بهره جست.

تحول در مصادیق مسئولیت مدنی در حوزه وضع قانون

در مورد مصادیق به ترتیب ذکر شده در مرحله تفسیر به مرحله وضع اشاره خواهیم نمود. موضوع اول مطرح شده مسئله عدم النفع بود. نکته‌ای که در کل مواد قانون مسئولیت مدنی ایران در مرحله وضع باید مد نظر قرار گیرد این است که در مورد ضرر اقتصادی و از جمله ضررهای مرتبط با عدم النفع اصل کلی قابل مطالبه نبودن ضرر اقتصادی صرف وجود دارد. این مقوله کارآیی نظام مسئولیت مدنی را در ایران در قانون فوق با چالش مواجه می‌نماید. بنابراین می‌توان در مرحله تقنین ترتیباتی اتخاذ نمود که از تشتت آراء در این زمینه کاسته شود و بهترین و کارآمدترین شکل قانونگذاری را در این حوزه شاهد باشیم.

در مورد فرد گرای افراطی در حوزه قراردادها و نظام مسئولیت مدنی نیز نقدهایی را مطرح نمودیم. در صورتی که نفوذ اندیشه‌های اجتماعی در حقوق قراردادها و مسئولیت مدنی در کنار تحلیل‌های مبتنی بر نظریه بازی‌ها و هزینه‌های مبادلاتی مقتضی امنیت در حوزه قراردادها و

دخالت دولت در این حوزه در مرحله تصویب اصول و قواعد مسئولیت مدنی مد نظر قرار گیرد می‌توان انتظار قانونگذاری کارآمدی را در این خصوص داشت (Schiafer & Claus, 2009).

در مورد قانونگذاری موازی در حوزه مسئولیت مدنی که کلیت این نظام را تحت تاثیر قرار داده است نقدهایی مطرح شد. در حوزه مسئولیت مدنی نیز در ایران در مرحله وضع به علت زیادی نهادهای قانونگذار شاهد تورم و تعدد قوانین ناسخ و منسوخ هستیم که در نتیجه معضل ناکارآمدی را در پی خواهد داشت. برای مثال مسئولیت مدنی در روابط بین کارگر و کارفرما از جمله مسائل شایع در این حوزه است که واجد ابعاد و اهمیت زیاد اقتصادی و اجتماعی نیز می‌باشد. ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به بخشی از این مسئولیت اشاره داشته است اما گستردگی موضوع و تعدد روابط بین کارفرما و کارگر باعث شده موضوع به حوزه نظام مسئولیت مدنی صرف محدود نماند و قوانین مختلف بیمه و همچنین تامین اجتماعی به این حوزه نفوذ پیدا کنند.

همچنین در مرحله وضع قوانین مسئولیت مدنی باید نیازسنجی‌های لازم در این حوزه صورت گیرد. یکی از راههای تصویب قانون با کیفیت نیازسنجی اقتصادی است. نیازسنجی در اقتصاد جنبه کاربردی دارد. در مرحله قانون گذاری کاربرد آن به این صورت است که با بررسی خلاهای قانونی و ضرورت تصویب قانون خاص، به تصویب قانون کارآمد و مفید کمک می‌شود. نمایندگان پارلمان باید قبل از وضع قانون مسئولیت مدنی، نیازهای اقتصادی را که تأمین آن‌ها مستلزم وضع قانون است تحلیل کنند تا اولاً نسبت به سطح و عمق نیازها اطمینان حاصل نمایند، ثانیاً به ضرورت وضع قانون- و نه ابزارهای دیگر پاسخ‌گویی به نیازها- مطمئن شوند. ژنی استاد فقید فرانسوی می‌گوید: قانون گذاری هنری است مبتنی بر علم. یکی از این علوم، علم اقتصاد است. معنای آن این است که: ۱- از لحاظ علمی باید خواسته‌ها و نیازها با بی طرفی رعایت شود. ۲- دولت از لحاظ علمی و هنری و اقتصادی تشخیص بدهد که کدامیک از این ارزشها ترجیح دارد و ارزش برتر را بر ارزش پایین‌تر مقدم بدارد. انتشار عمومی طرح یا لایحه، نظرخواهی از مردم، تحلیل و بررسی طرح‌ها و لوایح توسط احزاب و رسانه‌ها، از جمله مهم‌ترین روش‌های تحلیل نیازهای قانونی است. مشاوره با شهروندان و سازمان‌های نماینده آنان در فرایند قانون گذاری مسئولیت مدنی، برای ایفای وظیفه نمایندگی از اهمیت بسیاری برخوردار است (Gary, 2008). مهم‌ترین ابزار مشاوره، برگزاری گفت و شنودهای عمومی است. مشورت‌های عمومی در میان قوای مقننه مختلف، به میزان متفاوتی انجام می‌گیرد. در برخی از کشورها از جمله دانمارک، نروژ و سوئد، دولت قبل از ارائه لایحه به پارلمان، مشورت عمومی گسترده‌ای انجام می‌دهد که در این حالت ممکن است پارلمان به بازبینی نتایج مشورت اقدام کند. برخی از کشورها با «ابتکار قانون گذاری مردمی» تأثیرگذاری مستقیم شهروندان بر فرایند قانون گذاری فراهم نموده اند. در نظام قانون گذاری ایران، نیازسنجی برای تصویب قوانین کاربرد محدودی دارد. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مطالعات کارشناسی و تخصصی لازم را در باره طرح‌ها و لوایح انجام می‌دهد، اما تأثیر عملی آن مشخص نیست.

اما در قانون مسئولیت مدنی چالشی که در وضع وجود دارد بی توجهی به سنن فقهی و اسلامی است. گویی مدرن شده و مدرنیزه کردن جامعه که حداقل در نظام حقوقی با شکست مواجه شد به شکلی موجب تصویب این قانون شده که کمتر اثری از سنت در آن وجود دارد و بیشتر به مدرنیته شبیه و قرین می‌باشد. واضعان قانون مسئولیت مدنی مدعی بودند که قانون مسئولیت مدنی می‌تواند به عنوان متمم و مکمل قانون مدنی عمل نماید در صورتی که با وضع قانون مسئولیت مدنی فصل جدید در نظام تقنین کشور گشوده شد که تطبیق دادن آن با قواعد اتلاف و تسبیب دشوار است و شیوه اخیر وضع قانون نه تنها به کارایی و کارآمدی منجر نمی‌شود بلکه ارتباط بین اصول و فروع را خدشه دار خواهد ساخت.

در خصوص اصل تناسب در نظام مسئولیت مدنی نیز باید گفت در شرایطی که مسئولیت قراردادی به علت نقض انتظار متعهدله می‌بایست به گونه‌ای طراحی گردد که در مرحله جبران نمودن خسارت، متعهدله را به موقعیت انتظاری وی سوق دهد. ضمانت اجراها در حوزه مسئولیت مدنی تنها ضمانت اجرای جبرانی است در شرایطی که در مواردی طرفین تمایل به بازسازی رابطه قراردادی هم دیگر دارند. این وضعیت نیز می‌تواند به ناکارآمدی اقتصادی منجر گردد. پس با وضع قانون مناسب می‌توان زمینه‌های تحقق این اصل را در نظام قانونگذاری مسئولیت مدنی فراهم ساخت.

نتیجه‌گیری

از جمله اساسی‌ترین رویکردهای حقوقی در عصر پیش رو سنجش و ارزیابی این دانش با ابزارهای اقتصادی می‌باشد. برای کاربست درست قواعد هر نوع از مسئولیت شناختن مبنایی حاکم بر آن است؛ زیرا مهمترین مسئله در نظام مسئولیت مدنی شناخت مبنای حاکم بر روابط می‌باشد. به باور مدافعان تحلیل اقتصادی قواعد حقوقی به ویژه تحلیل اقتصادی مسائل مسئولیت مدنی، مبنای سستی رنگ باخته و دیگر کارایی لازم را برای حاکمیت در بازار ندارند از این رو مبنای نظیر پیامد گرایی، بازدارندگی و عدالت توزیعی مطرح شده اند. در تحلیل‌های رایج از حقوق اقتصادی از تقسیم بندی حوادث به حوادث یک جانبه و حوادث دوجانبه سخن رفته است. آنچه در انتخاب مبنای مطلوب موثر است ریسک پذیری دو شخص زیان دیده و وارد کننده زیان و همچنین ریسک گریزی این دو می‌باشد. کاربست قاعده تقصیر در و همچنین مسئولیت محض، در خصوص حوادث یک طرفه و دو طرفه در میزان احتیاط عامل زیان و همچنین در میزان ضرر انتظاری مطلوب، بهینه و کارآمد است. در صورت ریسک گریزی وارد کننده زیان و همچنین شخص زیان دیده چنانچه محاکم سطوح احتیاط مقتضی را با سطوح مطلوب اجتماعی معین نمایند، قواعد تقصیر و مسئولیت محض به تحقق غایات مسئولیت مدنی یعنی نتایج مطلوب و بهینه اجتماعی دست خواهند یافت. در صورت ریسک گریزی دو شخص زیان دیده و همچنین عامل زیان، هم در حوادث یک طرفه و هم در حوادث دو طرفه با اعمال نظام بیمه و مسئولیت مدنی می‌توان به نتایج مطلوب و کارآمد دست پیدا نمود.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The interpretation and enactment of civil liability law through the lens of economic efficiency constitute a pressing question in modern jurisprudence, particularly when evaluating how legal norms can optimally achieve societal goals. While the shared aim of economic analyses of civil liability law is to maximize economic efficiency through the deployment of legal rules, the absence of consensus over the definition of efficiency and the paths to achieve it has resulted in diverging theoretical approaches. Western legal theorists have proposed a variety of benchmarks—including wealth maximization, Pareto optimality, Pareto superiority, and the Kaldor-Hicks criterion—as potential measures of efficiency. Among these, the most prominent criterion should be selected as a reference point for evaluating efficiency within legal systems. The pivotal issue lies in designing the

structure of civil liability such that it generates the highest possible economic efficiency in society, an objective pursued through the application of appropriate legal rules. Economic analysis of civil liability law employs efficiency as both the foundation and primary aim of rule-making, with negligence being the fundamental rule in most jurisdictions. However, in applying this rule, it is essential to differentiate between unilateral and bilateral accident settings, recognizing that legal responses must adapt to varying contexts. For example, in scenarios involving bilateral accidents, the distribution of risks and incentives between injurer and victim critically influences outcomes, making calibrated legal interventions indispensable to promoting optimal deterrence and social welfare (Schiäfer & Claus, 2009).

A central challenge in Iranian civil liability law, particularly in the 1959 Act, lies in its incomplete coverage of damages, specifically regarding the exclusion or inconsistent treatment of loss of profit (عدم‌النفع). Articles 1 and 2 of the Act acknowledge both material and moral damages, aligning to some

extent with economic analysis by incorporating non-pecuniary harms. Nonetheless, the absence of a unified theory in Iran's legal system regarding compensation for loss of profit has generated doctrinal uncertainty. In its specific sense, loss of profit refers to anticipated benefits that fail to materialize due to breach of contract or tortious conduct, whereas in its general sense, it encompasses economic loss not stemming from a tangible or physical source. The prevalent opinion among Imami jurists considers loss of profit non-compensable, and many legal scholars regard statutory provisions granting compensation for such loss as exceptions to the general rule against economic loss recovery (Babaei, 2011). Comparative perspectives highlight that the adoption of reliance damages, expectation damages, or positive interest measures—well-established in common law and Romano-Germanic systems—could better serve efficiency goals. These measures aim to place the injured party in the same position as if the contract had been performed, thereby fostering stability and predictability in contractual relations (Bussani & Parisi, 2003). However, when the cost of performance exceeds the damages payable for breach, economic actors may be incentivized to breach, undermining overall efficiency.

Beyond damages, the interpretation of civil liability law must recognize that liability encompasses not only compensatory remedies but also preventive measures (Safaei & Rahimi, 2018). Courts may, for example, issue injunctions to prevent imminent harm or order the cessation of ongoing violations without requiring proof of actual loss. This broader interpretive scope reinforces the idea that the allocation of liability is determined by legislation, not judicial discretion, underscoring the legislature's role in defining the balance between corrective justice and economic efficiency. The system must also address when it seeks to apply formal justice, economic efficiency, or distributive justice, which depends on factors such as the nature of the harm, the presence of fault, the type of injurious act, and the characteristics of the parties involved (Hosseini-Nejad, 2010). The interplay between contract law and tort law further complicates this picture, as they are not wholly separate domains but interconnected systems whose dysfunction in one area can destabilize the other (Cooter & Thomas, 2005). Viewing them as integrated units allows for more coherent regulation, avoiding situations where weak civil liability frameworks erode trust in contractual commitments.

Economic efficiency in civil liability also hinges on proportionality—ensuring that remedies restore the injured party to the position anticipated without overcompensating or undercompensating. In contractual liability, this entails designing remedies that correspond to the promisee's expectation interest, which is not always achieved under current Iranian law. While damages in tort generally aim at compensation, certain contexts involve a mutual interest in maintaining contractual relationships, suggesting that restorative or specific performance remedies may be more

economically efficient. Failure to provide such mechanisms can result in inefficiencies by discouraging long-term cooperation and increasing transaction costs. Legislative reforms could thus focus on embedding proportionality as a guiding principle in both statutory drafting and judicial application, ensuring that legal outcomes align with optimal deterrence and fair compensation. This approach is particularly relevant in risk-averse contexts, where both injurer and victim benefit from clearly defined and socially optimal levels of care. Under such conditions, the combined use of negligence rules, strict liability, and insurance schemes can achieve socially desirable outcomes by distributing risks efficiently and incentivizing precautionary behavior across parties.

At the legislative stage, challenges to efficiency arise not only from substantive gaps but also from procedural and structural deficiencies in lawmaking. Comparative experience shows that in some jurisdictions, such as Denmark, Norway, and Sweden, extensive public consultation precedes parliamentary deliberation, ensuring broader stakeholder input. By contrast, Iran's legislative process in civil liability has often neglected traditional jurisprudential principles in favor of a modernizing agenda that may undermine compatibility with established doctrines. The enactment of the Civil Liability Act was intended to supplement the Civil Code, but in practice, it created tensions with Islamic legal concepts of usurpation, causation, and wrongful gain. Incoherence between provisions, overlaps, and contradictions with other statutes have diminished economic efficiency, as laws that are incomplete, vague, or inconsistent increase uncertainty and litigation costs. Codification—systematically consolidating all relevant provisions into a comprehensive legislative framework—offers a structural remedy to these issues, preventing legal inflation, eliminating redundancies, and streamlining amendments. Without such reform, the fragmentation and opacity of civil liability law will continue to impair its capacity to serve efficiency goals.

In conclusion, the pursuit of economic efficiency in the interpretation and enactment of civil liability law requires a multi-faceted strategy that integrates substantive legal reform, interpretive clarity, and procedural modernization. Addressing the treatment of economic loss, especially loss of profit, aligning damages with deterrence theory, expanding preventive remedies, embedding proportionality, and reconciling contract and tort principles are all essential components of this agenda. Moreover, codification and stakeholder engagement in legislative processes can enhance coherence, predictability, and adaptability in the law. By systematically incorporating economic analysis into both the drafting and interpretation of civil liability provisions, the legal system can better balance corrective justice with social welfare, fostering a legal environment conducive to sustainable economic and social development.

References

- Babaei, I. (2011). Theoretical Foundations of the Economic Analysis of Law Approach. *Journal of Legal Research*, 23.
- Babaei, I., & Badini, H. (2018). The Philosophy of Civil Liability. 2.
- Bariklou, A. (2018). *Civil Liability* (Vol. 2PB - Mizan).
- Bussani, P., & Parisi, F. (2003). Liability For Pure Financial Loss In Europe: An Economic Restatement. *American Journal of Comparative Law*, 51(1), 113-162. <https://doi.org/10.2307/3649142>
- Cooter, R., & Thomas, U. (2005). *law and economic*. Encyclopedia of law and Economic.
- Dadgar, Y., & Khodkar, R. (2017). Economic Analysis of Strict Liability Rule and Examination of Its Efficiency in Iranian Law. *Quarterly Journal of Legal Research, Shahid Beheshti University*, 20(78).
- Gary, S. B. (2008). Crime and Punishment: An Economic Approach. *J. POL. ECON.*, 76, 169. <https://doi.org/10.1086/259394>
- Gerhard, W. (2002). *Tort Law and Liability Insurance*. In Tort law and economics, op. cit.
- Ghasemzadeh, S. M. (2019). *The Concept of Illegality or Anomaly of a Harmful Act in Civil Liability*. Nashr-e Mizan.
- Hamiti Vaghef, A. A. (2018). *Obligations Outside of Contract*. Jangal.

- Hosseini-Nejad, H. (2010). *Civil Liability* (Vol. 1). Majd.
- Safaei, S. H., & Rahimi, H. (2018). *Civil Liability (Obligations Outside of Contracts)* (Vol. 11). SAMT.
- Salimi, F., & Parsarpour, M. B. (2021). The Basis of Civil Liability from the Perspective of Economic Analysis of Law (With a View to Market Law). *Journal of Private Law Research*, 9(35).
- Schiäfer, H.-B., & Claus, O. (2009). *The Economic Analysis of Civil Law*. Edward Elgar Publishing Limited.
- Shavell, S. (2002). *Economic Analysis of Accident Law*. Cambridge, Mass. <https://doi.org/10.3386/w9694>
- Shavell, S. (2005). *Economics and Liability for Accident* PB - Harvard John M. Olin, Discussion Paper (Vol. 535). <http://ssrn.com/abstract=870565>